

رهائی



سال دوم ، شماره ۸۲
پنجشنبه ۴ تیر ماه ۱۳۶۰
پهنا ۱۰ ریسال

برای انعکاس اخبار مبارزات توده‌ها

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

سرکوب و کشتار های وحشیانه اخیر یادآور آخرین نمایشات آریامهری

و تباران را نیز به رگبار گلوله می بندد. برآستی از این رژیم جنایتکار و از یک مشت دغا نویسن و روضه‌خوان و توضیح المسائل نویسانه و دیوانه که فقط دو سال است که از خواب ۱۴۰۰ ساله بیدار شده اند، و از کسانی که از فردای قیام خونین زحمتکشان با انواع دروغ بافی و عوامفریبیها، حکومت ننگین خود را بر پایه جنایت و کشتار بنیاد نهادند، آیا میتوان انتظار عدالت داشت؟ رژیم می که از همان ابتداء نظاهرات زنان آزادخواه را بخون کشید، نوروز خونین سهندج و ترکمن صحرا را بوجود آورد، نظاهرات کارگران بیگار را به گلوله بست، غلبه خلق کرد اعلام جهاد داد و فرمان تهاجم و کشتار سراسر کردستان را صادر کرد، خانه‌های روستائیان ترکمن را برششان خراب کرد، خلق عرب را توسط مدنی جلاد و پاسداران سر- مایه و ارتجاع به رگبار گلوله بست، آذربایجان را بخاک و خون کشید، صیادان بندر انزلی را قتل غام کرد، به سازمانهای انقلابی یورش برد، نشریات آنها را سوزید، در گوشه و کنار کشور به شکار انقلابیون و ترور آنها پرداخت و نظاهرات نیروهای انقلابی را خاک و خون کشید، شمشیر بازی "غدامیرالیستی" برآه انداخت و پس از عوامفریبی ها وقتی که به هدف خود از اجرای این نمایش مسخره دست یافت، "انقلاب بزرگتر از انقلاب اول" را با رسوایی بگور سپرد، گروهانها را آزاد کرد و بدون چرتکه انداختن بیش از پنج میلیارد دلار از دسترنج زحمتکشان ایران را بعنوان تازشت به امپریالیسم امریکا و سردمداران رژیم منقور شاه، بخشید. قراردادهای چند میلیون و چند میلیارد دلاری با کشورهای امپریالیستی امضاء کرد. همزمان با آن سرکوب خواسته‌های کارگران و سایر زحمتکشان و به کشتار کمونیستها و سایر انقلابیون ادامه داد تا ماهیت ضد کمونیستی و ضد انقلابی خود را به امپریالیسم بیشتر نشان دهد و اعتماد آنها را بیشتر جلب کند. رسواتر- س انتخابات و رفتارندوسیا در چپان را برآه انداخت.

رژیم جنایتکار و قرون وسطایی جمهوری اسلامی برآ هزارمین بار در ظرف دو سال و نیم، درجهی وحشگری و ماهیت ضد بشری خود را به نمایش گذاشته است. اعدام بیش از سی نفر انقلابی در ظرف دو روز، باز همان دروغ پردازیها، جوسازیها و صحنه سازی- های دوران رژیم شاه در مقیاسی مضحک تر و وقیحانه تر تکرار شده است. زندانیانی که ماهها قبل بدون هیچ دلیلی، دستگیر شده‌اند به "جرم" شرکت در نظاهرات چهار روز قبل اعدام میشوند.

محاکمه‌ای در کار نیست. چگونه میتوان افسرادی که در عمر روز ۳۰ خرداد توسط پاسداران سرمایه و اوباشان حزب الهی دستگیر شده‌اند در طرفیکم دو ساعت "محاکمه" کرد و در ساعت ۹ همان شب به جوخهی آتش سپرد؟ در اینجاست که مفهوم "عدل اسلامی"، که آنهمه دربارهاش عوامفریبی کرده‌اند، در تمامی ابعاد جنس- ستکارانه‌اش روشن تر میشود. در اینجاست که روشن تر میشود حکام شرع که خود هر کدام نمونهی تمام عیارتی از خلخالی جلاد هستند، در همان مکتب رهبران جنایتکار جمهوری اسلامی درس "قضاوت" (و درحقیقت درس جنایت) آموخته‌اند، تبعیبری ضد بشری و قرون وسطایی از مفاهیم قضاوت و عدالت بدست میدهند. بیاد بیاوریم "محاکمات" ده دقیقه‌ای خلخالی آدمکش را در کردستان، بیاد بیاوریم اعدامهای وحشیانه‌ای او و همفکران سر- نجمش را در سرتاسر ایران. در اینجاست که یکبار دیگر، ماهیت بیدادگایهای "عدل اسلامی"، کلبه روی بیدادگایهای نظامی رژیم آریامهری را هزاربار سفید کرده‌اند، روشن تر میشود. در اینجاست که می بینیم تنها چیزی که جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی از آدمکشان رژیم هیتلری کم دارند کوره‌های آدم سوزی است (هر چند که نوع اسلامی آن یعنی سنگسار یا زنده نگور کردن انسانها در قانون ارتجاعی قصاب پیش بینی شده است). تفاوت فاشیستهای هیتلری و جمهوری اسلامی در اینست که رژیم هیتلری پس از شناسایی یهودیان آنها را دستگیر و طعمه‌ی کوره‌های آدم سوزی میکرد، در حالیکه همتای اسلامی آن، حتی مردم بیگناه

★ ۲۳ انقلابی تیرباران شدند!

ای جلاد! ننگت باد!

میدان تیر زندان اوین امروز ۳۱ خرداد، شاهد بخون غلطیدن ۲۳ انقلابی دیگر بدست جلادان جمهوری اسلام می گشت، و در حالیکه هنوز یکروز از گلوله بستن صدها نفر در میدان فردوسی و خیابانهای اطراف آن نمیگذرد این جنایت در محوطه زندان اوین بوقوع می پیوندد.

خبر اعدام ۲۳ نفر سرعت در تمام کشور پیچید و همه را در بهت و ماتم فرو برد! همه می پرسند آخر چگونه ممکن است به این سرعت و با این شقاوت، ۲۳ انقلابی را در مقابل جوخی اعدام قرار داد؟ کدام دادگاه میتواند به این سرعت به "جرائم" این تعداد زندانی رسیدگی کند؟ کدام قانون زندانیانی را که از چند ماه پیش در زندان بوده اند، بخاطر خوشخواهی و زهر چشم گرفتن به میدان تیر میفرستد؟ و کدام وجدان انسانی اینهمه جنایت را تحمل میکند؟

اما جمهوری اسلامی اوپاش و چاقویشان اسلامی، جمهوری مرتجعین و آخوندهای بیشترم، برای تمام این جنایات و زدالت ها، جواب دارد! چرا باید انقلابیون مجاهد و کمونیست، دختران و پسران دانش آموز را به جوخی اعدام سپرد؟ برای اینکه حکومت ورشکسته جمهوری اسلامی چند صباحی بیشتر بروی کار بماند.

چرا باید سعید سلطانپور شاعر و نویسنده ای انقلابی بی را که حتی رژیم منفور پهلوی نیز جرئت اعدام او را به خود ندارد، تیرباران کرد؟ برای اینکه با ایجاد فضای رعب و وحشت و نشان دادن اینکه ما حتی از رژیم پهلوی نیز جلادتریم هرگونه مخالفتی را در نطفه خفه کرد.

★ حماسه آفرینان انقلابی، مردم مبارز ایران!

جنایتکاران جمهوری اسلامی که از موج حرکت های اعتراضی مردم و نیروهای انقلابی وحشت زده شدند، بیشترمانه بجان انقلابیون در بند افتاده و جان هزاران زندانی سیاسی دیگر نیز در معرض خطر است.

حکومت جمهوری اسلامی سعی بر این دارد که با تیربارانهای وحشیانه، مردم را از شرکت در تظاهرات نیروهای انقلابی بترساند تا شاید بتواند از همه گیر شدن این اعتراضات جلوگیری کند. اما مردم مبارز ایران که بیکار پوزه ای جماعت داران قانون اساسی و ارتش و گارد و ساواک را بخاک مالیده اند از این وحشیگریها نیز هراسی بدل راه نخواهند داد و یکپارچه و متحد علیه استبداد و خفقان بپا خواهند خاست و دیر نیست آن زمان که انتقام خون تمام شهیدان باز ستانده شود.

گرامی باد خاطره ای ۲۳ شهید انقلابی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۶۵/۳/۳۱
ش: ج- ۱۲

سازمان وحدت کمونیستی



برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

سرکوب و...

ارتجاعی ترین "قانون اساسی" های کنونی جهان را توسط مشتی مرتجع بنام "خبرگان" تهیه کرد و در جو مبارزه با اصلاح ضد امپریالیستی به تصویب رساند. رژیم که در برهه انداختن جنگ ارتجاعی ایران و عراق، مسئولیت مهمی داشت، جنگی که بخش مهمی از کشور و صنایع اساسی آنرا به نابودی کشاند، دو میلیون آوارگی جنگی شمراهی این جنگ جنایتکارانه است. رژیم که از متمدنهای آریامهری بسج و تعلیم چاقویشان حرفه ای و باندهای سیاه مسلح، استفاده میکند تا پایه های لرزان حاکمیتش را بخمال خود استوار کند. رژیم که هر روز جنایت تازه ای را آغاز میکند (که حتی بر شمردن آنها کتاب قطوری خواهد شد و هنوز آخرین برگ آن نوشته نشده و توده ها با سرگونی این رژیم جنایتکار و ضد بشری، آخرین برگ آنرا خواهند نوشت)، و تمامی دستاوردهای قیام بهمن ماه توده ها را یکی پس از دیگری بزیب با گذاشت. و برآستی در هیچ زمان و در هیچ کشوری، یک رژیم در مدتی چنین کوتاه، دست به ارتکاب اینهمه جنایت نزده است.

اکنون پس از دو سال و چند ماه از حکومت سراسر جنایت و کشتار، رژیم جمهوری اسلامی در موقعیتی بسیار متزلزلتر از روزهای اولیه ای حیات خود قرار گرفته است. در طی این دو سال و چند ماه هر روز این رژیم بخش وسیعتری از توده های طرفدار خود را از دست داده است و هر روز بیشتر از روز قبل سوی افراد و انزوا پیش رفته است. و هر روز بخشهای وسیعتری از توده های ناراضی از کرائی، بیگاری، نبودن مسکن، کمبود مایحتاج عمومی و غیره به اعتراض برخاسته اند و نفرت خود را از این رژیم را به طرق مختلف ابراز داشته اند. در مقابل رژیم جمهوری اسلامی نیز هر روز وحشی تر و جنایت بارتر از روز قبل عمل کرده است. و در عمل نشان داده است که حتی امثال بنی صدر را که در برپا کردن این بااصلاح جمهوری و جو احتیاج نقش مهمی داشته است * و اکنون در دعوی قدرت سهم بیشتری را طلب میکنند، نیز تحمل نمیکنند.

بنا بر این رژیم آیت الله خمینی و حزب جمهوری اسلامی اکنون در مقابل اوگیری مبارزات توده ای به درجه ای از استعمال رسیده است و خود را به قدری در مقابل این مبارزات و خواسته های روزافزون زحمتکشان ناتوان و ضعیف می بیند که چاره ای جز کشتار دسته جمعی و اعدام و سرکوب توده ها و ایجاد فضای رعب و وحشت و اختناق نمی بیند و بطور قطع این سرکوب و اختناق و کشتار را باز هم تا قساوت و وحشیگری بیشتری دنبال خواهد کرد. و این شیوه ایست که کلبه ای رژیمهای ستمگر و در حال زوال در آخرین لحظات حیات تنگین خود در پیش میگیرند، و با هر سرکوب بیشتر، یک گام به طرف گور خود نزدیک میشوند. تاریخ معاصر دهها نمونه ای آنرا نشان داده است که آخرین نمونه ها تجربه ای رژیم های جنایتکار شاه و سامواست. و رژیمهای جنایتکار جمهوری اسلامی و السالوادور نیز سرنوشته بهمنبر از سرنوشته اسلاف دوز و نزدیک خود نخواهند داشت. □

* هنوز از یاد دهنده ایم که روزنامه های آیندگان، پینام امروز... با قریب ده های "روزنامه ای بنی صدرا بخا دباید گردد" بسته شدند. و هنوز از یاد دهنده ایم که در دوران اول پس از قیام فالانژهای حزب الهی بهر کسی که بحث مخالف میکرد جواب میدادند "اگر راست میگوی جواب استا دینی صدرا بده". و همچنین بیا دبیا وریم که بنی صدر کسی بود که جلسه ای افتتاحیه ای سازمان فاشیستی مجاهدین انقلاب اسلامی را ترتیب داد.

اسناد مربوط به بنیاد مستضعفان:

۴- دزدیها و چپاول ثروت زحمتکشان

در شماره های پیشین رهاگی، اسناد مربوط به میلیونها تومان از حیث و میلیها، حاتم بخشها و دزدیها آیت الله بهشتی و همدستان او را انتشار دادیم و در همانجا متذکر شدیم که اسناد منتشره فقط بخش ناچیزی از مجموعه دزدیها و غارتگریهای این مزدور بشمار میروند.

در این شماره گوشه دیگری از ثروتهای بتاراج رفته زحمتکشان را منتشر میکنیم که حاصل آن بیست و سرمداران و نوکران و سرسپردگان رژیم و چپاولگر و جنایتکار جمهوری اسلامی تقسیم شده است.

سند ضمیمه مربوط است به فروش "مبل و سایبر اناشیبهی منزل، اتومبیل و غیره". در این "و غیره" همه چیز میگنجد از جمله "لوازم آرایش"، "اجناس خوراکی"، "موتورسیکلت"، "تلمبه"، "لوازم الکتریکی و صوتی"، "دوربین و حتی "شیر"، "علوفه"، "توت فرنگی"، "گاو"، "گوسفند"، "گاو" و "ماشه" و حتی ارز خارجی نظیر "فرانک و پوند" و "تریاک" (*).

از نکات جالب یکی اینست که از خریداران این "اجناس هیچ جا (جز یک مورد: فروش "هفت دستگناه بیخال، تلویزیون و دوچرخه به پاسدار منطقهی بسک شمیران") ذکری بمیان نمیآید. دیگر اینکه، جز چند مورد، فروشنده یا فروشندگان این "اجناس" و محاصل و شرایط فروش و غیره نیز مشخص نیست. جالبتر این که، ریز اقلام، نوع، مقدار، وزن و سایر مشخصات "اجناس" نیز اطلا معلوم نیست و بصورت عبارات کلی و کش دار آورده شده است نظیر: فروش "لوازم آرایش"، "اجناس خوراکی"، "سرویس غذاخوری"، "ظروف نقره و اناشیبهی منزل، دوربین و غیره"، "لوازم منزل"، "اقلام" "ماده شده"، "اموال آقای بهادری"، "بیگان و بنسز ۲۲۰"، "لوازم و اناشیبهی کاخهای نوشهر و بابل"، "اجناس دست دوم"، "لوازم الکتریکی و صوتی"، فروش اموال صادره شده در فروشگاه بزرگ ((بنیاد)) و غیره...

مهمتر از همه، قیمت این اجناس است. بطوریکه در جمع کل مشاهده میکنیم، فروش کل بیش از ۱۲ میلیون تومان است (در اینجا کاری نداریم که همین مبالغ فروش نیز بنوبهی خود به انواع مختلف - از جمله بطوریکه در اسناد مربوط به دزدیها و حیث و میلیهای آیت الله بهشتی دیده ایم - بتاراج رفته اند): آیا ارزش واقعی این اموال چند ده یا چند صد برابر همین "فروش کل" شده است؟ یا توجه به نکاتی که در فوق ذکر کرده ایم و با توجه به افشاگریهای نشریهی مجاهد در این زمینه (که غالباً قیمت گذار، فروشنده، و خریداریک فرد واخذ بوده و یا در بهترین حالت، خریدار از همکاران و

همدستان قیمت گذار و فروشنده بوده است)، هیچ مبلغ دقیقی در مورد ارزش واقعی این اموال در حال حاضر نمیتوان ارائه داد. دقیقاً بخاطر سرپوش گذاشتن بر روی ابعاد مخوف غارتگریها بود که عبارات کلی نظیر "فروش اموال صادره شده"، "انواع اناشیبهی منزل" و غیره به فلان مبلغ بکار رفته است تا رقم تخمینی دزدیها و چپاولگریها نیز معلوم نشود. مثلاً تریاک را به ۵۰۰۰ تومان فروخته اند. اولاً معلوم نیست چه کسی فروخته و خریدار کیست و مهمتر اینکه معلوم نیست چه مقدار تریاک به ۵۰۰۰ تومان فروخته اند. یک کیلو؟

ده کیلو؟ ... صد کیلو؟ ... یک تن؟ ... هیچ معلوم نیست. مثلاً یک مقدار نامعلوم "فرانک و پوند" بمبلغ ۱۲۵۰ تومان فروخته شده. این پوند از کجا بدست آمده؟ فروشنده کیست؟ خریدار چه کسی است؟ چه مقدار "فرانک و پوند" بود؟ آیا مثلاً هزار فرانک و پوند بود؟ یا صد هزار؟ ... معلوم نیست. آیا "وجه نقد" ۱۸۹۵۷ ریال که حاج فرهمند سرمایه دار و (عضو شورای عالی بنیاد مستضعفین) از محل فروش انجام شده به صندوق بنیاد ریخته است چه اجناسی را فروخته؟ به چه کسی یا کسانی فروخته؟ آیا ارزش واقعی "فروش انجام شده" فقط ۱۸۹۵۷ ریال بوده؟ یا ۱۸۹۵۷۰ ریال؟ یا بیشتر؟ معلوم نیست. آیا "لوازم و اناشیبهی کاخهای نوشهر و بابل" فقط مبلغ مسخرهی ۲۷۷ هزار تومان ارزش داشته و یا ارزش واقعی آنها دهها و صدها برابر این رقم بوده است؟ دقیقاً معلوم نیست.

سئوالات فوق را در مورد تک تک سطور سند ضمیمه میتوان عنوان و این سؤال را مطرح کرد: اموالی که به مبلغ ۱۲ میلیون تومان فروخته شده بطور واقعی چند ده یا چند صد برابر آن ارزش داشته است؟ ارزش واقعی اموال چپاول شدهی زحمتکشان چه دهها و چه صدها برابر رقم فوق باشد، تردیدی دربارهی اصل دزدیها و چپاولگریها بوجود نمیآورد، فقط ابعاد آنرا مخوف یا مخوف تر میسازد.

(*) اخبار فراوانی از هواداران بدست ما رسیده است که پاسداران و کمیتهها از عوامل و مراکز بخش مشروبات الکلی و مواد مخدر هستند (حتی مشخصات پاره ای از این افراد و شمارهی ماشینهای مسورد استفاده برای اینکار و غیره در دست است). و در اینجا، معلوم میشود که بنیاد مستضعفان نیز از فروشندگان "تریاک" میباشد.



ج ۱-۲- مبل، سایر اناشیبه منزل، اتومبیل و غیره

شماره مبلغ بریال نوع و مقدار جنس

لوازم آرایش، اجناس خوراکی، سرویس غذاخوری	۸۸۹/۰۶۰	۳۱
فرانک و پوند	۱۲/۵۰۰	۶۳۴
"	۲۰۷/۰۸۰	۷۵
وجه نقد دریافتی از محل فروش در فروشگاه بزرگ	۵/۵۴۰	۷۸
ظروف نقره و اناشیبه	۱/۶۷۹/۰۹۰	۷۹
انواع اناشیبه منزل و دوربین و غیره	۲/۲۳۴/۲۷۰	۱۰۱
وجه نقد از محل فروش انجام شده توسط آقای برهمند	۱۸/۹۵۷	۱۰۸
لوازم منزل	۱/۰۹۵/۰۵۰	۱۲۳
لوازم منزل	۲۴/۰۰۰	۱۷۸
"اموال صادره شده" رسید مفقود گردیده و مشخص نیست فروش همراه فاکتور بوده یا خیر	۲/۵۰۰/۰۰۰	۱۹۳
لباس و لوازم	۲/۷۰۰/۹۵۹	۲۰۷

فروش اجناس دست دوم توسط آقای معافی	۱۷/۷۸۶/۰۰۰	۲۱۵
دو دستگاه اتومبیل (بیگان به قیمت ۲۸۰/۰۰۰) و بیعانه بنز ۲۲۰ مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال	۴۸۰/۰۰۰	۲۶۹
لوازم و اثاثیه منزل	۲/۸۲۹/۶۱۰	۲۷۳
اموال آقای بهادری	۲/۲۵۵/۰۰۰	۲۷۹
فروش لوازم و اثاثیه کاخهای نوشهر و بابل توسط آقای تقوی نژاد (سند در سرفصل تنخواه آقای تقوی نژاد موجود است)	۳/۷۷۲/۷۹۰	۲۸۲
فروش یک کیلو تریاک توسط آقای عابدی	۱۳۵/۰۰۰	۳۱۰
فروش اموال و اثاثیه	۱/۹۸۹/۰۵۰	۳۵۲
فروش " اجناس دست دوم " بدون ذکر مشخصات	۵/۱۰۰/۰۰۰	۳۹۶
فروش " اجناس دست دوم " بدون ذکر مشخصات	۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۲۲
فروش گوسفند در بجنورد توسط آقای روحانی بدون اینکه مشخص باشد چه تعداد گوسفند و با چه مجوزی بفرش رفته اند و خریدار کیست .	۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۳۵
بخچال ، تلویزیون ، موتور و ...	۲۷۲/۵۰۰	۴۵۰
موتورسیکلت	۸۶/۰۰۰	۴۵۷
فروش " اجناس دست دوم " بدون ذکر مشخصات توسط آقای معافی	۷۷۲/۰۰۰	۴۷۷
فروش اموال در فروشگاه بزرگ	۵/۰۱۰/۵۴۰	۵۴۲
تریاک (بدون ذکر مقدار)	۵۰/۰۰۰	
الیه و لوازم منزل	۴/۵۰۱/۷۱۵	
(سند کپی گرفته شده)	۲/۱۳۹/۶۵۰	
کتاب و لوازم منزل	۵۷۰/۰۶۰	۷۴۰
فروش اموال منزل محمود افشار و مدرسه آمریکائی ها توسط کمیته لویزان	۵۲۴/۱۸۵	۷۵۴
فروش لوازم توسط کمیته لویزان	۳۷۳/۵۶۰	۷۷۲
فروش لوازم منزل در نمایشگاه (همراه با فاکتور شماره کلا)	۵/۹۱۳/۶۰۰	۸۶۰
فروش لوازم منزل در فروشگاه بزرگ	۱/۰۹۶/۰۲۵	۸۷۰
فروش اجناس دست دوم توسط آقای معافی	۱۵/۹۰۰/۰۰۰	۹۶۱
فروش اموال در فروشگاه بزرگ	۹۶۱/۵۹۵	
فروش لوازم الکتریکی و لوازم صوتی در انبار توسط آقای موحدی	۱/۲۷۲/۹۰۰	۱۰۲۱
فروش دو عدد بخچال	۱۳/۰۰۰	۱۱۱۹
وسایل صوتی ، دوربین و بخچال	۹۴۰/۰۰۰	۱۱۴۸
سه راس گ	۹۰/۰۰۰	۱۳۳۰
اموال و اثاثیه و لباس فروشگاه بزرگ	۵/۲۷۴/۷۵۰	۱۳۸۰
اموال و اثاثیه در انبار کرج	۱/۶۴۵/۵۰۰	۱۳۹۴
۴۶ دستگاه ماشین لباس شویی ، بخچال ، احاق گماز و ...	۱/۹۹۱/۰۰۰	۱۴۲۱
(جمع کل در سند ۱/۹۹۱/۰۰۰ ریال آمده که طی سند ۱۵۰۵ برگشت شده)		
فروش اجناس دست دوم بدون ذکر جزئیات فروش توسط آقای معافی	۱۰/۳۵۰/۰۰۰	۱۵۱۴
۷ دستگاه بخچال ، تلویزیون و دوچرخه به باسدار منطقه یک شمیران	۳۴۴/۰۰۰	۱۵۳۴
فروش اموال و اثاثیه معادزه شده در فروشگاه بزرگ (فاکتور ها بضمیمه سند ۱۲۷۷)	۹/۴۶۲/۵۴۰	۱۵۷۰
فروش لوازم اثاثیه منزل در فروشگاه بزرگ (فاکتورها بضمیمه سند ۱۳۵۹)	۱/۷۹۹/۶۲۰	۱۵۷۱
فروش اموال تیمسار زنگنه (فروش دوچرخه ، شیر ، علوفه ، نوت فرنگی ، و سدراس گاو)	۱۵۹/۳۳۵	۱۶۱۵
۹۰ راس گوسفند از اموال یعقوب حی	۱۳۷/۳۵۵	۱۶۱۶
ماه و شن	۱۰۶/۳۹۰	۱۶۳۵
بیگان	۳۰۰/۰۰۰	۱۶۶۹

جمع کل ۱۲۳/۵۸۹/۷۷۶

ردیف	شرح	مبلغ ریال	شماره	قسمتی از
۱	لوازم آرایش اجناس مردانه	۸۸۹,۰۰۰	۳۲	متن اصلی
۲	رانندگی	۱۲,۵۰۰	۶۳	سند
۳		۲,۰۷,۰۰۰	۷۵	
۴	دو عدد دریاچه فریبیل از دست آوردن بزرگ	۱,۰۸۶,۰۰۰	۷۸	
۵	فروش پیراهن	۱,۳۷۹,۰۰۰	۷۹	
۶	لوازم آرایش منزل و دو عدد	۳,۳۳۴,۳۷۰	۱۰۱	
۷	دو عدد ازبیل و دو عدد ازبیل	۸,۹۵۷,۰۰۰	۱۰۸	
۸	لوازم منزل	۱,۰۹۵,۰۰۰	۱۳۲	
۹		۴۴,۰۰۰	۱۷۸	

باتمام قوامان دستگیری مبارزین شویم

شادباش به

“امت مستضعف آلمان”

ما فیلا در شماره ۷۹ رهاشی مطالبی در مورد قرار- دادهای اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی با شرکت های امپریالیستی نوشتیم و در آنجا تاکید کردیم که عقد قرارداد اقتصادی و ایجاد روابط تجاری با کشورهای دیگر برای هر دولت سرمایه داری و منجمله دولت سرمایه داری ایران نه تنها امری طبیعی بلکه الزامی است . و بنظر ما در خود قضیه هیچ نکتهی عجیب و غریب و دور از ذهنی وجود ندارد ، اما رژیم جمهوری اسلامی مساله را به همین جا ختم نمی کند ، بلکه اصرار عجیبی دارد که حتما معامله با امپریالیسم را بعنوان مبارزه با امپریالیسم بخورد خلق الله بدهد . و این جنسروی تناقضی ایجاد می کند که عقل جن هم از حل آن عاجز می ماند . اما از آن هم شگفت انگیزتر آن تازه ای است که رژیم برای مردم بخته است ، آنهم نه مردم ایران بلکه مردم آلمان ؛ به این خیر توجه کنید :

مجموع احمدزاده وزیر صنایع ایران از مشارکت ایران در سرمایه کارخانجات گروپ برای نفوذ ایدئولوژی اسلام در جمهوری فدرال آلمان استفاده کرده است .

(کیهان ۲۴ خرداد - تاکبدها همه جا زماست)
اینطور بنظر می رسد که بنا به تشخیص سردمداران جمهوری اسلامی " امت مستضعف آلمان " که از ظلم و ستم بریدیان آن دیار به تنگ آمده اند ، بی صبرانه در انتظار ظهور " منجی عالم " دقیقه شماری می کنند و بنا براین بر حسب وظیفه شرعی و اسلامی دولت موظف است در اسرع وقت انقلاب اسلامی را - که مرحلهی نخست در گذار به " انقلاب جهانی مهدی موعود " است - در آلمان برپا کند . این وظیفهی خطیر اما قبل از هر چیز " نفوذ ایدئولوژی اسلام " در جمهوری فدرال آلمان را می طلبد . خوشبختانه زمینهای مناسبی در آلمان از سالها پیش توسط آیت الله بهشتی ، برای رواج ایدئولوژی اسلام " تحت عناوینات ملوکانه " فراهم گشته است و اکنون با استفاده از این تجربیات گرانبها ، " تحت عناوینات ملوکانه " - بنوعی دیگر - و به شیوه ای کاجلا جدید و صنعتی یعنی نه از طریق مساجد بلکه از طریق " مشارکت در سرمایه کارخانجات - گروپ " کوشش برای انعقاد ایدئولوژی اسلامی در آلمان با جدیت دنبال می شود .

بنا براین ملاحظه می کنید که برخلاف تصور " ضد- انقلابیون " و " ناوه گویان وابسته به شرق و غرب " و " منافقین " که عقد این قراردادها را دال بر وابستگی به امپریالیسم می دانند ، اقدامات متهورانه دولت " مکتبی " کاملا در راستای برنامهی استراتژیک صدور انقلاب اسلامی به اقصی نقاط عالم ، تحت رهبری " امام خمینی " طرح ریزی شده است .

ما از این مطالبه هیچ وجه قمد شوخی و منزاج نداریم ، بلکه تنها خواستیم که این مورد بخصوص سرمایه گذاری در آلمان را بر مبنای منطق ، شیوهی استدلال و هیاهوی عوامفریبانهی سردمداران حکومت بیان نما- شیم و گرنه قضیه این همه شاخ و برگ ندارد و بسیار ساده است ؛
شاه در زمان سلطنت خود ۲۵ درصد از سهام کارخانجات گروپ را با سرمایهی مردم ایران خریداری کرد . و طبیعا معلوم است که سود حاصله از این معامله کلان تنها به جیب معدودی سرمایه دار که با دربار حشر و نشر داشتند

سرازمیر می شد . و امروز نیز که ورق برگشته و آیات به عظام و حجج اسلام بر اریکه قدرت تکیه زده اند ، دولت " مکتبی " نمایندهی آنان " فی سبیل السلطان " در معامله با شرکت گروپ آستین ها را بالا زده است و البته باز هم معلوم است که منافع این معامله منوجه معدودی سرمایه دار می گردد که با بارگاه " امام امت " سروپری دارند ، و نصیب " کوخ نشینان " و " امت شهید پرور " از آن تنها تعریف و تمجیدهای بی پایانی است که بدلیل " حضور همشگی شان در صحنه " نثار آنان میگردد .
بدین سان اگر در نفس عمل هیچ تفاوتی میان رژیم شاهنشاهی و رژیم جمهوری اسلامی دیده نمی شود و در ماهیت امر صرفا طبقه ی حاکم سرمایه دار از نعم چنین روابطی بهره مند میگردد اما در نحوهی عمل و انگیزه ها تفاوت بین این دو رژیم بسیار چشم گیر است .

واقعیت این است که شاه هیچگاه ادعا نمی کرد که منظور از خرید سهام کارخانجات گروپ نفوذ ایدئولوژی سلطنت طلبانه - یا بقول " امام امت " ملی گرایی - در آلمان است . اما بالعکس رژیم جمهوری اسلامی می خواهد اصل موضوع را لایوشانی کند و هدف چنین معاملاتش را " نفوذ ایدئولوژی اسلام " قلمداد کند . و از آن جا که در جمهوری اسلامی هیچ چیز معدوم نیست ، می توان امکان نفوذ اسلام را در آلمان محتمل دانست . آنهم به این دلیل که مردم آلمان دوران طولانی سلطه ی فاشیسم را تجربه کرده اند و شاید در بین آنان کسانی یافت شوند که هنوز به ایده های فاشیستی علاقه نشان میدهند . اینان قادرند تشکیلات " حزب الله " را در آلمان برپا کنند و اگر جریزه ی بیشتری داشته باشند به سپاه پاسداران آلمان - اس اس - ملحق شوند و با اگر قیلا تجربیاتی در زمینه مسائل اطلاعاتی و جاسوسی کسب کرده اند ، با اوامرا - گشتابو - را براه اندازند . تا انشاء الله " ما با هم " تحت فرمان امام - پیشوا - آتش جنگ جهانی سوم را بر- افروزند . اما این بار نه بخاطر اثبات برتری نژاد آلمان ، بلکه بخاطر برتری ایدئولوژی اسلامی ؛

اما قضیه ی جناب وزیر از این هم گذارتر است . ایشان پس از فراغت از ترویج ایدئولوژی اسلامی ، بدفع و رجوع مشکلات و مسائل داخلی شرکت گروپ نیز کمر هست می بندد . و برای جلوگیری از اخراج ۵ هزار از مجموع ۴۵ هزار کارگران این کارخانه " پیشنهاد می کند که " اعتراضات کارگران در شورای نظارت کارخانه که بطور مساوی از نمایندگان کارگران و سهامداران تشکیل می -

شود " رسیدگی شود . این پیشنهاد " نه تنها مورد موافقت کارگران قرار گرفت ، بلکه مورد تأیید عضو ایرانی این شورا که از نمایندگان صاحبان سهام در سرمایه ی شرکت است قرار گرفت .

به این ترتیب وزیر محترم صنایع ایران " بر طبق عقیده و ایدئولوژی خود " ، راه حل تازه ای برای رفع کدورت های احتمالی که بین " برادران کارگر " و " برادران سرمایه دار " پیش می آید ، مطرح می کند ، و آن عبارت است از تقریر اصل " سهیم کردن کارگران در تصمیم گیری سرمایه داران " ؛

البته طرح هایی از این قبیل در جوامعی مانند ایران که در آن انکشاف طبقاتی به آن درجه از رشد کمی خود نرسیده است که اصطکاک جدی منافع طبقاتی متضاد الزام آور کند ، و بعلاوه سطح نازل آگاهی طبقاتی و وجود رسوبات اندیشه های منسوخ ، کهنه و غیر طبقاتی که در ضمیر عمومی کارگران انباشته شده ، نیز مزید بر علت گشته است ، می تواند مجزه آفرین باشد ، اما در جامعه صنعتی پیشرفته ای چون آلمان ، این موعظت هم از سوی سرمایه داران و هم کارگران آگاه تنها باریشخند خالی از ادبی پاسخ داده می شود . پس چه دلیلی دارد که حضرات نمایندگان دولت ایران همواره عنوان " اسلام " را این و آنجا یکدک می کشند ؟ حقیقت این است که این گونه خودنمایی های مقدس مآبانه تنها برای مصارف داخلی تجویز می شود و گرنه ، " وزنه سنگین اسلام " وقتی در سرمایه ی جهانی غوطه ور شود ، به اندازه ی حجم کالی هم



دفاع از کردستان، دفاع از آزادی است



مردم مبارز و آزادیخواه ایران! نیروهای رزمنده و انقلابی!

رژیم جمهوری اسلامی همزمان با تشدید اختلافات درونی خود، در جهت تحکیم سلطه‌ی بلامنازع استبدادی‌اش بار دیگر حمله به کردستان - مهد مبارزه‌ی دموکراتیک ایران - را در سطح وسیع و گسترده آغاز نموده است. این یورش جدید که از اواسط خرداد ماه آغاز شده است مناطق وسیعی از کردستان را در برمیگیرد، که میتوان فهرست وار به این موارد اشاره کرد:

■ **مهاباد:** هجوم گسترده به منطقه‌ی "شارویران" پس از چند هفته جنگ مداوم در این منطقه قوای دولتی صدها کشته و زخمی بجای گذاشتند و ۳ فروند هلی کوپتر از دست دادند. در این عملیات که توده های مسلح دوشادوش پیشمرگان شرکت داشتند فرمانده عملیات سیاه پادرس آذربایجان غریب کشته شد. جنگ در این مناطق کماکان ادامه دارد و چندین روستا توسط نیروهای نظامی رژیم به آتش کشیده شده‌اند و مردم این مناطق آواره گشته‌اند.

■ **بانس:** ستونی که به قصد "پاکسازی" عازم "بوین" شده بود در کمین پیشمرگان ضربات سختی متحمل می شود. در پی حمله‌ی پیشمرگان حزب دموکرات به پایگاه "تالتوون" و تصرف موقت آن و انهدام قسمت زیادی از مهمات موجود در این محل و نیز کشتن قریب ۳۰ تن از قوای مسلح دولتی، ارتش و پاسداران به روستای "نه را" حمله کردند اما با تحمل تلفاتی به عقب نشستند، در این نبرد یک هلی کوپتر منهدم شد.

بدین سان رژیم بدنبال هجوم و تعرض به نیروهای انقلابی کشتار خیابانی و اعدام در زندانها، حمله به کردستان

شادباش...

وزش از وزن و اعتبارش کاسته میگردد!
بهر حال در شرایط حاضر که جناح "با عجل وی سواد" هشت خاکمه، بر خر مراد سوار شده و افسار اوباشان حزب الهی و ارگانهای سرکوب خاص خود را بدست دارد، و یکباره در پی یک "فرمان" و چندین سخنرانی "تاریخی" امام امت "مخالفان سیاسی اش را نیز از مواضع قدرت بزیر کشیده است، بتدریج در پی آن است که استبداد - افسار گسیخته‌ای را بر جامعه حاکم گرداند و نهایتاً بعنوان یک قدرت سیاسی تام الاختیار و با دولت منجم تبلور یابد. اما برای تحقق چنین آرزویی، علاوه بر قلع و قمع نیروهای انقلابی و طرد همیالگی های دیروزی و ایجاد "وحدت کلمه" بزور جماعت و سرنیزه، ناگزیر از ایجاد روابط حسنه با کشورهای پیشرفته سرمایه داری (امپریالیسم) است. نخستین گامهای دولت "مکتبی" در این مسیر حتی در بحبوحه جنگ قدرت، زمانیکه تعادل قوا بطور نسبی بین طرفین در گیر برقرار بود، صورت پذیرفت - در این مورد می توان به آزادی گروگانها اشاره کرد - معامله‌ای که در آن دولت چیزی بدهکار شد - اما بهبود نام روابط دولت ایران با دول امپریالیستی مشروط است به فرو ریختن توهमत افسانه‌ای رژیم

را نیز آغاز نموده است، این حملات در طول حاکمیت ارتجاعی هر دو جناح، همواره وجود داشته است و علیرغم جار و جنجال و هیا هوشی که بر سر کسب قدرت سیاسی در هشت خاکمه در جریان بود، هر دو جناح مسئول مستقیم جنایاتی هستند که در کردستان، دانشگاه و در عرصه های گوناگون مبارزه رخ داده است.

هموطنان مبارز!

اکنون که خلق کرد در آستانه‌ی سومین هجوم سراسری رژیم قرار گرفته و اینک که جنگال ارتجاع مردم بیشتر گلوی تمامی مردم ایران را می فشارد، دفاع از جنبش کردستان، دفاع از اعتراضات خفه شده و فریادهای فروخورده‌ی خود شما است. فراموش نکنیم آنچه را که شما اکنون در آینه می بینید خلق کرد دو سال پیش در خست خام می دید و فریادی را که اکنون سر میدهند خلق کرد پس از نروژ خونین سنج (اسفند ۵۷) با صدای رسا اعلام کرده است. بنابراین دفاع از کردستان، دفاع از آزادی و دموکراسی است، دفاع از خلق کرد، دفاع از مردم ستمدیده و زجر کشنده‌ای است که با نبرد حماسه آفرین خود نیروهای سرکوبگری را که اکنون بر روی شما آتش می کشایند، بارها شکست داده و به درماندگی کشانده است.

نیروهای انقلابی و کمونیست!

غم چنانکه در کردستان در زیر فشار سخت و طاقت فرسای رژیم، بدون توجه به مسائل گروهی و سازمانی متحدا به مبارزه در کنار خلق کرد پرداخته ایم، در سایر نقاط ایران نیز با اتحاد و اتفاق، فشار نیروهای سرکوبگر رژیم و حزب الهی های مسلح را واپس زنیم و رنگ سیاه ارتجاع را از افق سیاسی ایران برداشتم تا رنگ سرخ انقلاب درخشیدن گیرد.

بیروز باد جهش ملی خلق کرد

هواداران

سازمان وحدت کمونیستی - بوکان

مبنی بر "صدور انقلاب اسلامی" و "حکومت جهانی - مستقیمین" و، در حالیکه ایفا و حتی تشدید این توهमत در اذهان مردم نه تنها خطری متوجه امیر - یالیسم نخواهد کرد بلکه بدلیل ایجاد آگاهی کاذب و ایجاد وقفه در روند کسب آگاهی واقعی، بطور مستقیم و بلاواسطه کمک شایانی به تجدید تولید مناسبات سرمایه داری و به تبع آن، تجدید حیات امپریالیسم در ایران خواهد کرد. زیرا که لازم نیست حتماً امپریالیسم در هشت مستشار نظامی یا سرمایه دار فکل کراواتی "واسته" و با ظاهر شود. بلکه می تواند ردای اسلامی بیوشد و به جمال فلان آخوند "سرپرست دایره‌ی سیاسی - ایدئولوژیک ارتش" و با، قیافه‌ی بد ریخت فلان حاجی بازاری سرمایه دار و یا در آید.

بنا بر این و بهر صورت این "مریم باکره"، از این پس در سرمایه‌ی جهانی غسل تعمید خواهد دید. البته این کار نیاز به زمان و فرایندی طولانی دارد که اکنون نقاط عطف آن در شرف تکوین است، و اگر رژیم موفق به ادامه‌ی مسیر حرکت خودشود و موانعی که بر سر راهش است قدرت چشم گیری قد علم کرده‌اند موفق به تغییر جهت حرکت نباشند، می توان به جرات اظهار کرد که نقطه‌ی نهایی، چنین فرایندی را بیعت "اسلام با شیطان بزرگ" مشخص خواهد کرد!

اخبار

اتوبوس بلیزر آنها را به آتش کشیدند . مدتی بعد مأمورین کمیته به مردم حمله کرده و با پرتاب گاز اشک آور سعی به متفرق کردن آنها میکنند . مردم نیز شعار " مرگ بر خمینی " میدهند .

پنج شنبه ۶۰/۳/۲۸

■ يك هواپيما پراز فروشهای متعلق به بهشتی بار خود را در پاریس تخلیه کرده و روز جمعه به تهران بازگشته است .
زنجان

پنج شنبه ۶۰/۳/۲۸

■ تظاهراتی در خیابان سعدی برپا میشود . پاسداران به تظاهرکنندگان تیراندازی کرده و ۲ نفر را شهید میکنند . روز شنبه ۳۰ خرداد مجاهدین تظاهرات کرده و به قصد گرفتن جسد شهدا به سوی بیمارستان میروند ولی موفق نمیشوند . گفته میشود ده شبیه شب پاسداران به خانههای تعدادی از هواپازان مجاهدین حمله کرده و آنها را دستگیر کرده اند .

■ سپاه پاسداران گرمسار در روز ۶۰/۳/۳۰ توسط مردم خلع سلاح گردید .

تنگه کمان ... شنبه ۶۰/۳/۳۰

■ در تظاهراتی در ده تنگه کمان (بین کرج و قزوین) اتوبوس يك آخوند به آتش کشیده شد . روز بعد تعدادی حزب اللهی و پاسدار تجمع کرده و به مردم حمله میکنند . در این درگیری یک نفر از اهالی ده با شلیک پاسداران شهید گردید .

کرج

■ پاسداران از ساعت ۴ بعد از ظهر به بعد اتوبوسهای را که قصد ورود یا خروج از شهر را دارند جستجو میکنند .

تهران

۶۰/۳/۳۰

■ حزب اللهی ها در خیابان فاطمی به داخل يك اتوبوس ریخته و با کارد به دختران مجاهد داخل آن حمله میکنند . صدای فریاد سرنشینان اتوبوس توجه

■ رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای تحکیم سرمایه داری در ایران ، هر روز بیش از پیش با جای یای رژیم شاه میگذارد و براستی که جز این نیز راهی در مقابل ندارد . در ادامه سیاستهای آریامهری ، ماه -موران رژیم چند تن از دانشجویان فعال سیاسی را هنگام بازگشت از آمریکا در هفته آخر خرداد ، دستگیر کرده اند . ما موران رژیم برای اینکار درست مانند ما -موران ساواک لیست سیاه نیز تهیه کرده اند .

■ هفته گذشته ۳۰۰۰ موتور سیکلت متعلق به يك وارد کننده موتور سیکلت توسط کمیته گمرک به حزب اللهی ها بخشیده میشود ! تا در تظاهرات خیابانی از آنها استفاده کنند و فی الواقع مزد حرکات ضد انقلابی و چندش آور آنها باشد . بنزین این موتور سیکلت ها نیز از سعد آباد تامین میشود .

■ در هفته گذشته در اسلام آباد غرب ، چمخاله و لنگرود درگیریهای مسلحانه روی داده است همچنین در گرمسار بین افراد شهریاری و پاسداران برخورد مسلحانه رخ داده است .

تهران

چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷

■ دو دختر هوادار مجاهدین هنگام بخش اعلامیه در انتهای خیابان معلم با شلیک پاسداران به قتل میرسند . پاسداران سپس يك زن بچه در بغل معترض را نیز با شلیک گلوله به قتل رسانده ، ولی بعدا در اثر حمله مردم خشمگین مجبور به فرار میشوند . مردم نیز

دستجات اوپاش ، مزدوران رژیم و محلهای تجمع آنان را شناسائی کنید

عابرین را جلب میکند ، اما هیچکس مدخله نمی نماید . شدت جراحات ناشی از ضربات کارد بعدی بوده است که خون از پنجره های اتوبوس به بیرون میریخته است .

۲۰ / ۳ / ۳۱

■ حزب اللهی ها بازارچه کتاب (خیابان انقلاب روبروی سینما کابری) را تسخیر کرده و کتاب فروشان را از بازارچه بیرون و تهدید میکنند که شب بازارچه را آتش خواهند زد . ۳ نفر از ناشران را نیز به زیر بسا خود میزنند و کتابهای انتشارات گام ، پیمان و پشواک را مصادره ضد انقلابی مینمایند . البته این ناشران توانستند کتابهایشان را پس بگیرند .

همچنین در همین روز انتشارات بین الملل و کسار نیز مورد هجوم حزب اللهی ها قرار میگیرد .

■ از قول یکی از مصادر کمیته امور صنفی نقل شده است که در جریان دستگیریهای اخیر ، پس از دستگیری تظاهرکنندگان و انتقال آنها به کمیته ها با قهقهه آنها حمله ور شده و عده زیادی را مجروح کرده اند .

■ خانواده رضائیه های شهید از منزل مسکونی خود خارج شده و این منزل تحت محافظت یا نظارت ماهوران شهرتانی میباشد . از قول یکی از منسوبین بسیار نزدیک خانواده رضائیه ها نقل شده است که نگران سلامت منی سعادت هستند .

دوشنبه ۲۰ / ۴ / ۱

■ حدود ساعت ۶ بعد از ظهر مجاهدین خلعتی تظاهرات موضعی در منطقه میدان خراسان داشته اند . حمله حزب اللهی ها به تظاهرات و درگیری متعاقب آن حدود ۳۰ نفر کشته و زخمی شده اند .

■ يك شایعه بسیار قوی حاکی از آنست که رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی بیش از ۳۰ نفر از زندانیان را در زندان اوین اعدام کرده است ولی اسامی آنان را بتدریج اعلام میکند .

■ بقایای گارد جاویدان سابق ، در سه گروه امنیت حفاظت ، و پشتیبانی مشغول گذراندن دوره های چربیکی هستند تا در صورت گسترش درگیریها در سطح شهر به کمک پاسداران بشتابند . "گروه امنیت" مسئولیت شرکت مستقیم در درگیریها ، "گروه پشتیبانی" حمایت از گروه امنیت و "گروه حفاظت" نگهبانی از یادگانها و جلوگیری از حمله به آنها را بعهده دارد . روزنامه جمهوری اسلامی ۲ تیر نیز در گزارش راجع به مرزبش سقف استاد پیم نصیری صحبت از تمرین "ورزشکاران حفاظتی" (در این استاد پیم میکند . رژیم جمهوری اسلامی در ظرف در سال دقیقاً با جای پای رژیم پهلوی گذاشته رده است و از تفاهه های رژیم سابق برای سرکوب مبارزات مردم استفاده میکند .

شماره روزگی

سه شنبه ۲۰ / ۴ / ۲

■ دانشجویان ایرانی مقیم آلمان در اعتراض به کشتارهای اخیر دولت جمهوری اسلامی به کسولگری ایران در هامبورگ حمله ور شدند . علیرغم درگیری با کارکنان مزدور ، دانشجویان مبارز موفق به ورود به داخل کسولگری شده و بعد از وارد کردن خسارات زیادی به کسولگری پا دادن دستگیری موفق به فرار شدند .

این عملیات اعتراضی مورد استقبال نیروهای مترقی واقع شده و دانشجویان مبارز ایرانی در خارج از کشور بار دیگر با اعتراض بحق خود ، همبستگی شان را با مبارزات مردم قهرمان ایران علیه حکومت ترور و اختناق جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند . امروز این وظیفه تمام دانشجویان آگاه ایرانی در خارج از کشور است که با انشای جنایات حکومت جمهوری اسلامی در مقابل خلقهای دیگر کشورهای جهان ، نقاب از چهره پلیس جمهوری اسلامی و دولت مردان مرتجع آن بردارند .



پیش بسوی تدارك انقلاب سوسیالیستی